

An Analysis of the Leadership Features of Imām Khomeyni from the Perspective of Political Psychology¹

Maasoud Akhavan Kazemi¹, Omid Shokraneh Arzanaghi²

¹Associate Professor, Department of Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran. mak392@yahoo.com

²Master of Sociology of the Islamic Revolution, Razi University, Kermanshah, Iran (**Corresponding Author**).
omid.shokraneh@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the components of Imām Khomeyni's leadership and behavior from the view of theorists in the field of political psychology and political science. In this regard and using a descriptive-analytic method, it was attempted to explain the essence, character, and political behavior of his leadership and the cause of his deep impact on the social, cultural, and political transformations. The comparative review of the two theories by Alfred Adler and Max Weber and leadership characteristics of Imām Khomeyni revealed that some of appropriate strategies in his political behavior include commitment, justice, self-purification, avoidance of hypocrisy, life style, creativity, decisiveness, and so on. Contrary to charismatic leaders and Max Weber's theory, he paid attention to the consolidating role of people and regarded the source of legitimacy to be divine not personal. He was immensely against gathering fanatic followers for himself as well as mass and passive outlook on people.

Keywords: Imām Khomeyni, Leadership, Political Psychology, Alfred Adler, Max Weber, Charismatic Theory.

1. Received: 2021-12-24 ; Revision: 2021-01-20 ; Accepted: 2021-03-05

© the authors

<http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>

Publisher: Qom Islamic Azad University



تحلیل ویژگی‌های رهبری امام خمینی از منظر روانشناسی سیاسی^۱

مسعود اخوان کاظمی^۱، امید شکرانه ارزنقی^۲

^۱دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. mak392@yahoo.com

^۲کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

omid.shokraneh@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی مؤلفه‌های رهبری و رفتار سیاسی امام خمینی از منظر نظریه‌پردازان روان‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی بود. در این راستا و با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین ماهیت، شخصیت و رفتار سیاسی رهبری امام خمینی و علت تأثیرگذاری عمیق وی در تحولات اجتماعی و فرهنگی-سیاسی پرداخته شده است. بررسی تطبیقی دو نظریه آلفرد آدلر و ماکس وبر با ویژگی‌های رهبری امام خمینی نشان داد که از استرژتی‌های مناسب رفتار سیاسی امام خمینی می‌توان به تکلیف‌گرایی، عدالت، تهذیب نفس، پرهیز از ریاکاری، سبک زندگی، خلاقیت، قاطعیت و مواردی از این قبیل اشاره کرد. امام خمینی برخلاف رهبران کاریزمایی و برخلاف نظریه ماکس وبر، منبع مشروعیت را با لحاظ نقش تشبیهی مردم، الهی و نه شخصی می‌دانستند و به شدت با مریدپروری و پیروان‌سازی و نگرش توده‌ای و انفعال طلب به مردم مخالف بودند.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، رهبری، روانشناسی سیاسی، آلفرد آدلر، ماکس وبر، نظریه کاریزماتیک.

۱. استناد به این مقاله: اخوان کاظمی، مسعود؛ شکرانه ارزنقی، امید (۱۴۰۰). تحلیل ویژگی‌های رهبری امام خمینی از منظر روانشناسی سیاسی. سپهر سیاست، ۸(۳۰)، ص ۴۳-۶۲.

DOI: 10.22034/sej.2021.1918719.1284

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۱. مقدمه

انسان و شناخت ویژگی‌های انسانی و توجه به انسان آرمانی و نمونه در همه ادیان الهی و مکاتب عمده بشری مورد بحث قرار گرفته است. هر مکتب و دینی که از جامعیت برخوردار است، هدف عمده خود را انسان‌سازی می‌داند و انسانی را با ویژگی‌ها و رگه‌های خاصی به‌مثابه الگو و سرمشق معرفی کرده و از آن به عنوان انسان ایده‌آل یاد می‌کند و سایر انسان‌ها را به تبعیت و الگوپذیری از این انسان آرمانی فرا می‌خواند تا انسان‌ها بتوانند در جامعه ایده‌آل و نمونه رشد و تکامل پیدا کنند. باید گفت که نقش الگو در شکل‌گیری شخصیت انسان پیوسته مورد عنایت و بحث دانشمندان، به ویژه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و سایر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بوده است. ویژگی‌های برجسته الگوهای رفتاری نقش اساسی را در الگوپذیری سایر افراد جامعه ایفاء می‌کند. یکی از مؤلفه‌های اساسی شخصیت انسان‌های برجسته همانا برخورداری از سلامت روانی و داشتن نفس سلیم است. اگر سلامت را به طور کلی حالت کامل آسایش و بهزیستی جسمی، روانی و اجتماعی و معنوی بدانیم (سهرابی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰)، انتظار طبیعی این است که الگوهایی که مرجع رفتاری سایر افراد قرار می‌گیرند، معمولاً از سلامت جسمی و روان‌شناختی بالایی برخوردار باشند.

پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ علمی و مستند به این سؤال است که امام خمینی به‌مثابه یکی از الگوهای شخصیت در ابعاد علمی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در جامعه ایران و جهان، چه خصوصیات انسانی و چه ویژگی‌های منحصر به فردی داشتند که آن همه نفوذ اجتماعی ایشان را تسهیل می‌بخشید؟ ویژگی‌های شخصیتی بارز امام را که می‌توان به سلامت روانی ایشان مربوط دانست، کدامند؟ آیا ویژگی‌های امام با شاخص‌های سلامت روانی از دیدگاه‌های مختلف روان‌شناختی، به ویژه رویکرد پدیدارشناختی، هم‌خوانی دارد؟ آیا می‌توان امام را به عنوان مصداق یک الگوی انسان سالم و نمونه در رویکرد پدیدارشناختی معرفی کرد؟

بررسی ویژگی‌های شخصیتی انسان‌های بزرگ و موفق که مرجع رفتاری مردم قرار می‌گیرند، به لحاظ گرایش و علاقه و الگوپذیری مردم از اهمیت زیادی برخوردار است. تحقیق درباره خصوصیات افراد برجسته هنگامی ضرورت بیشتری می‌یابد که هویت‌یابی در جامعه جزء مسائل اساسی باشد. در جامعه‌ای مانند جامعه ایران که جامعه‌ای در حال گذار است و در دهه‌های گذشته تغییرات اجتماعی عمیقی در ساختار فرهنگی، اقتصادی، علمی و اجتماعی جامعه به وقوع پیوسته است، تأسی به الگوهای برتر جامعه برای شکل‌گیری هویت فردی، اجتماعی و ملی را بیش از پیش ضروری می‌نماید (سهرابی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹).

امام خمینی یکی از چهره‌های انسانی برتر قرن اخیر که توانست با یاری خدا و شایستگی شخصی، همیاری عموم مردم را جلب کرده و در جهت هدف واحدی سوق دهد و حرکت عظیم انقلاب اسلامی را در ایران با سازماندهی به پیروزی برساند، از جمله شخصیت‌های بزرگ جامعه انسانی است که بررسی ابعاد مختلف شخصیت ایشان به ویژه از دیدگاه روان‌شناختی، ضرورت تام دارد تا نسل امروز و فردای جامعه ما با خصوصیات برجسته این انسان بزرگ بیشتر آشنا شوند و به‌مثابه یک انسان سالم و کامل او را الگوی خود قرار دهند و شیوه‌های ارتقای سلامت و بهداشت روانی را با عنایت به مشخصات این مرجع رفتاری بیاموزند (سهرابی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰).

در این راستا، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چه تعاملاتی میان شخصیت سیاسی و شیوه رهبری امام خمینی و رعایت اخلاق سیاسی و انسانی وجود داشته و مولفه‌های رفتار سیاسی امام خمینی در جهت جذب افراد برای رسیدن به انقلاب مطلوب چه بوده است؟ چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های شخصیتی و شیوه رهبری و اخلاق سیاسی وی وجود دارد.

۲. مباحث نظری

آنچه امروزه در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به عنوان روانشناسی سیاسی رهبران نامیده می‌شود، در واقع شکل بسط یافته و متحول مطالعاتی است که از نیمه اول قرن بیستم و با نام سایکو بیوگرافی^۱ یا زندگینامه روانشناختی مطرح شد (بنی جمالی، ۱۳۸۸، ص ۸۰). روان‌شناسی سیاسی به عنوان شاخه‌ای از روان‌شناسی اجتماعی، ناظر بر دیدگاه‌هایی است که شخصیت فردی و ارتباط فرد در گروه را مورد بحث قرار می‌دهد. با این تفاوت که موضوع آن خاص‌تر و محدودتر به عرصه سیاست منحصر می‌شود و به جای مطالعه رفتار اجتماعی که عام‌تر است، رفتار سیاسی، کانون بررسی آن قرار می‌گیرد. امروزه در مطالعات روان‌شناسی، به جای سخن گفتن از یک دیدگاه یا یک رویکرد، از رویکرد التقاطی که آمیزه‌ای از رویکردهای مختلف است، سخن به میان می‌آید. کم‌تر روان‌شناسی را می‌توان یافت که با نگاه تک بُعدی به کار بالینی یا تحقیقی بپردازد. در مقابل، رویکردهای مختلف با مبانی و اصول متفاوت و گه‌گاه متعارض، به تبیین رفتار انسان می‌پردازند. از جمله گرایش‌های مطرح در روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی است که بستر پیوند میان روان‌شناسی و علم سیاست را فراهم می‌آورد. گوردون آلپورت^۲ در تعریف روان‌شناسی اجتماعی چنین می‌نویسد:

1. Psychological Biography

2. Gordon Allport

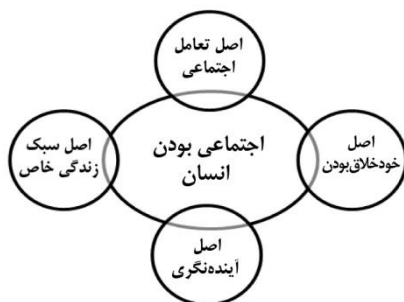
«علم درک و تبیین چگونگی نفوذپذیری افکار، احساسات و رفتارهای افراد از حضور واقعی، خیالی یا ضمنی دیگران» (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۸).

به بیان ساده‌تر، افراد با نیروی درونی مانند شخصیت، نگرش و هویت خود عمل می‌کنند. آن‌ها از طریق فرآیند شناختی، محیط خود و دیگران را ارزیابی می‌نمایند که در نتیجه به شکل‌گیری تصاویری از دیگران منجر می‌شود و وقتی این عوامل ترکیب شدند، تصمیم به عمل می‌گیرند. بنابراین، افراد در سیاست، اغلب در مقام عضوی از یک گروه عمل می‌کنند و رفتار آن‌ها در گروه با رفتار فردیشان بسیار متفاوت است (کاتم، ۱۳۸۶، ص ۴۵). انسان سیاسی، نمونه‌ای عمومی در جهان سیاست است که در قالب بکارگیری نظریه‌ها و یافته‌های روان‌شناختی از قبیل نظریه‌های شناخت، روان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی رشد در تحلیل سیاست و به عنوان عامل روان‌شناختی مرکزی در تأثیرگذاری بر رفتارهای دیگران مورد مطالعه قرار می‌گیرد (عباسی و مسعودی‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰).

حال این سؤال مطرح می‌شود که پژوهشگران در قلمرو روان‌شناسی سیاسی به دنبال پاسخگویی به چه سؤال‌هایی هستند؟ جستجوی منشاء‌گرایی‌های سیاسی انسان‌ها، نحوه شکل‌گیری و تغییر تفکرات سیاسی، چگونگی شکل‌گیری انقلاب‌ها در جوامع سنتی و دگرگونی یا سرنگونی نظام‌ها از جمله سؤال‌هایی است که روان‌شناسی سیاسی از طریق نظریه‌پردازی به دنبال پاسخگویی به آن‌هاست.

۲-۱. آلفرد آدلر^۱

آدلر برخلاف فروید که گزینه‌ها را انگیزه اصلی رفتار می‌دانست، بر جنبه اجتماعی بودن انسان تأکید داشت. مهم‌ترین ویژگی‌های اصلی نظریه آدلر را می‌توان به این صورت خلاصه کرد (غفاری هاشجین و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳):



شکل ۱- ویژگی‌های اصلی نظریه آدلر

الف) اصل تعامل اجتماعی

به نظر آدلر انسان با علاقه اجتماعی به دنیا می‌آید و اجتماعی بودن در فطرت و ذات بشر است. اما این امر به صورت بالقوه بوده و مانند سایر غرایز فطری بر پرورش و به فعلیت درآمدن نیازمند است که این امر از طریق تعامل اجتماعی صورت می‌گیرد. این ارتباط ابتدا از طریق مادر خانواده و سپس مدرسه، معلمان، همکلاسی‌ها و سرانجام افراد دیگر در جامعه انجام می‌شود. از آنجایی که حس برتری طلبی، ابتدا جنبه شخصی دارد، اما بعدها به صورت اجتماعی در می‌آید (کریمی، ۱۳۸۴، ص ۹۳). همچنین از نظر آدلر، وجود یک احساس اجتماعی، همگانی و مشترک است. احساس اجتماعی یا به نوعی تعاملات اجتماعی، پایه و اساس تمام پیشرفت‌های مهم تمدن می‌باشد. تعاملات اجتماعی در نوع احساسات ما نسبت به دیگران و روابط با آن‌ها تأثیرات بسزایی دارد (برزگر، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

ب) اصل خود خلاق بودن

مطالعات آدلر او را به این عقیده رساند که شخصیت آدمی فقط از استعدادها و غریزی و اثرات محیط خارجی و فعل و انفعالاتی که حاصل می‌کنند، تشکیل نمی‌شود، بلکه در این میان خلاقیت و ابتکار شخصی هم در کار است. به این معنا که آدمی برای ارضای تمایل برتری جویی خود، عوامل زیستی و اجتماعی را در تجارب جدید و فعالیت‌های ابتکاری مورد استفاده قرار می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰). آدلر در اوج نظریه خود بر قدرت فعال فرد یا خود خلاق انگشت می‌نهد و معتقد است که ما می‌توانیم شخصیت خود را مطابق با سبک زندگی یگانه خود تعیین کنیم. خود فعال هر فرد، شیوه اختصاصی هر فرد و فردیت وی را معین می‌کند (سیاسی، ۱۳۷۷، ص ۹۴). مفهوم قدرت خلاق به این معناست که ما هوشیارانه در ساختن شخصیت و تعیین سرنوشت خود مشارکت کنیم، نه اینکه منفعلانه منتظر بمانیم تا تجارب گذشته، سرنوشت ما را تعیین کند (برزگر، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷).

ج) سبک زندگی خاص

خود خلاق و اصل برتری جویی موجب می‌شود که هر کس به وجهی خاص دست به عمل بزند و سبک خاص زندگی خود را پی‌ریزی کند. شیوه و سبک زندگی خاص، تکیه کلام آدلر بوده و در تمام نوشته‌هایش مکرر به کار رفته و مشخص‌ترین بُعد روان‌شناسی فردی است (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۹۳). به نظر آدلر، چگونگی تلاش فرد برای کنار آمدن با احساسات حقارت‌آمیز،

بخشی از سبک زندگی خاص وی می‌شود، یعنی به صورت یک جنبه از کارکردهای شخصیتی وی درمی‌آید. هدف نهایی برای هر یک از ما، برتری یا کمال است، اما سعی می‌کنیم از طریق الگوهای رفتاری مختلف، به این هدف برسیم. هر یک از ما، این تلاش را به صورت متفاوت نشان می‌دهیم. ما الگوی منحصر به فردی از خصوصیات و رفتارها را پرورش می‌دهیم که آدلر آن را سبک زندگی خاص نامید (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹).

د) آینده‌نگری و دوراندیشی

آدلر معتقد است که رفتار آدمی را هدف‌های او صورت می‌بخشند. او هم البته از اهمیت گذشته آدمی و تأثیری که در خود خلاق دارد، غافل نیست، ولی اعتقادش این است که گذشته فقط حدود صحنه عمل را نشان می‌دهد، در صورتی که آینده است که در این صحنه چگونگی عمل بازیگران را معین می‌کند. باری، این هدف نهایی است که آدمی را به دنبال خود می‌کشد. مثلاً هدف و غرض نهایی دانشجو ممکن است رسیدن به مقامی باشد در صنعت، تجارت و سیاست و... این هدف سبب می‌شود که دانشجو سختی‌های تحصیل را به خود هموار کند و وصول به هدف‌های مقدماتی را که توفیق در امتحانات و دریافت درجات علمی است، یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد تا خود را به هدف نهایی، یعنی کسب مقام یا جز آن برساند (سیاسی، ۱۳۷۷، ص ۹۲).

۲-۲. نظریه اقتدار ماکس وبر^۱

تأثیرات عمیق رهبری امام خمینی به گونه‌ای است که بسیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران داخلی و خارجی، به دنبال تبیین تئوریک ماهیت این رهبری و علت تأثیرگذاری عمیق آن بوده‌اند. یکی از رایج‌ترین قالب‌های تئوریکی که این اندیشمندان برای چنین تبیینی انتخاب نموده‌اند، نظریه کاریزمایی ماکس وبر (Weber, 1971) است و متأسفانه اکثر اندیشمندان داخلی و خارجی و به‌ویژه صاحب‌نظران موافق انقلاب اسلامی، از این قالب تئوریک برای تشریح نوع و جنسیت رهبری امام خمینی و نحوه تأثیر آن بر مردم سود جسته و یا سعی کرده‌اند با بازسازی این نظریه، آن را برای چنین کاربرد و تطبیقی مهیاء کنند. این در حالی است که در نظریه کاریزمایی - به‌ویژه در تفسیرهای بعدی آن - رهبری و سلطه کاریزمایی، سلطه‌ای ضد عقلانی و منافی کرامت انسانی،

بسپج‌گرا، توده‌ای و احساسی، ضد دموکراتیک و مخصوص نظام‌های جامع القوا (توتالیتار)^۱ و فاشیستی قلمداد شده است؛ نوعی رهبری که به جای تکیه بر قانون، عقلانیت و مردم‌سالاری، بر یگه‌سالاری، دیکتاتوری و ارزش‌های استثنایی و شخصی رهبر استوار است. کار رهبر کاریزمایی ترغیب و تهییج ابعاد غیرعقلانی یا عاطفی مردم است. اقتدار کاریزمایی به شدت شخصی و مبتنی بر قدرت‌های خارق‌العاده رهبر و رابطه عاطفی و غیرعقلانی میان او و پیروان می‌باشد. این اقتدار در دوره‌های فشار، اضطراب روانی، فیزیکی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی پیدا می‌شود و معمولاً شرایط اجتماعی مملو از ناامیدی و بحران، به توهمات دامن می‌زند که مردمی منفعل و مریدان چشم و گوش بسته و توده‌های بی‌اختیار را در انتظار یک ناجی آسمانی قرار می‌دهد و این شرایط، موجب ظهور قدرت کاریزماتیک بوده و بدیهی است با رفع این شرایط و بازگشت عقلانیت به افراد اجتماع و رفع احساسات و تهییجات آن‌ها، قدرت کاریزماتیک کم‌رنگ شده، شرایط برای غلبه دو سلطه دیگر - سنتی و یا عقلایی - فراهم می‌شود. غربی‌ها با نادر شمردن امکان وجود و ظهور این‌گونه رهبران در کشورهای خود، آن‌ها را مختص جوامع عقب‌مانده جهان سوم دانسته‌اند و با تحقیر این‌گونه کشورها و این‌گویی رهبری، با دیدی امپریالیستی، بسیاری از رهبران نهضت‌های آزادی‌بخش را با آنگ رهبری کاریزماتیک متهم کرده و زیر سؤال برده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶، ص ۵۹-۷۹).

و بر لفظ کاریزماتیک را که از رودلف سوهم^۲ به عاریت گرفته است، چنین تعریف می‌کند: «کیفیت استثنایی شخصی که به نظر می‌رسد واجد یک قدرت فوق‌طبیعی، فوق‌بشری یا دست‌کم غیرعادی است که از گذر آن چنان مردی مقتدر و سرنوشت‌ساز جلوه می‌کند و بدین دلیل، مریدان یا هوادارانی گرد او جمع می‌شوند. رفتار کاریزمایی مخصوص فعالیت سیاسی نیست، زیرا می‌توان آن را در زمینه‌های دیگری چون دین، هنر، اخلاق و حتی اقتصاد ملاحظه کرد؛ هرچند از نظر ویر یکی از خصلت‌های کاریسم، دشمنی یا دست‌کم بیگانگی بودنش نسبت به فعالیت عادی اقتصادی است. سلطه کاریسمایی در سیاست، در چهره‌های گوناگونی ظاهر می‌شود: در چهره عوام فریب، دیکتاتور اجتماعی، قهرمان نظامی یا انقلابی (فروند، ۱۳۶۲، ص ۲۴۴).

و بر را می‌توان اندیشمندی انتقادی به حساب آورد که مدرنیته را اسیر بسیاری از حصارهای

1. Totalitaire

2. Rudolph Sohm

خودساخته می‌انگارد. به همین دلیل او در بسیاری از موارد به طرح مباحثی در نقد عقلانیت ابزاری پرداخته است. تئوری «مشروعیت» یکی از نظریات مهم و بر بوده که در آن به تشریح انواع مشروعیت سیاسی يك نظام می‌پردازد. از نظر او سه منبع مشروعیت وجود دارد که عبارتند از: «مشروعیت عقلایی»، «مشروعیت سنتی» و «مشروعیت کاریزماتیک». در مشروعیت عقلایی، در حقیقت تکیه بر قانون و به‌کار بستن دستگاهی اداری و غیرشخصی است. در حقیقت در این مدل رهبری و حکومت، فرد نیست که بر جامعه حکمرانی می‌کند، بلکه این ساختارها و قواعد از پیش تعیین شده هستند که حدود و اختیارات را معین می‌کنند و اگر افرادی از رهبری پیروی می‌نمایند، نه از شخص، بلکه در حقیقت از قانون و قواعد غیرشخصی پیروی می‌کنند.

مشروعیت سنتی، مدل دیگری است که وبر در انواع مشروعیت عنوان می‌کند. وبر این مشروعیت را بر باور مستمر به درستی سنت‌های همیشه معتبر و حقانیت کسانی استوار می‌داند که به شیوه سنتی به اعمال قدرت می‌پردازند. در این شیوه از کنترل جوامع، افراد از شخص پیروی می‌کنند و نه از قواعد و قوانین. در این نوع از اعمال قدرت، معمولاً قدرت از ازل به حاکم به ارث رسیده است و دارنده قدرت بر پایه قواعدی تعیین می‌شود که از پیشینیان به ارث رسیده و چنین شخصی درجه بالاتری از حقوق و احترام را نسبت به سایر افراد جامعه دارد. رهبری فنودالی در اروپا و رهبری سلاطین در شرق از این نوع رهبری هستند. آخرین مدل مشروعیت به اعتقاد وبر عبارت است از رهبری کاریزماتیک که در این نوع مشروعیت «تسلیم غیرمعمول مردم در برابر شخصیت مقدس و فضیلت قهرمانی یا ارزش‌های استثنایی، يك شخص و فرامین او» تعیین‌کننده است.

وبر مقصود از کاریزما را ویژگی فوق‌العاده شخصیتی برمی‌شمرد که در چهره پیامبران، حکیمان، رؤسای قوم و قهرمانان جنگی آشکار می‌شود و به آنها مقامی فوق بشری می‌بخشد و آنان را مانند يك فرستاده خداوند یا پیشوا مقبول مردم قرار می‌دهد. نه عقل مبنای این قدرت است و نه سنت‌های پیشین، بلکه این مدل با فرار از وضعیت موجود، حالتی انقلابی دارد و درصدد امحای گذشته است. ماکس وبر کاریزما را مهم‌ترین نیروی انقلابی تاریخ در عصر سنت‌ها می‌دانست که فوران آن در تاریخ سرنوشت‌ساز است.

۳. تطبیق رفتار سیاسی امام خمینی با نظریه آدلر

الف) نحوه تعامل امام خمینی در جذب افراد

قبل از ورود به مقوله تعامل و همبستگی از دیدگاه امام خمینی و اجرای آن در کشور ضروری

است که یادآوری شود نحوه تعامل، سلوک و گفتگوی ایشان، چه در دوران مبارزه قبل از انقلاب و چه در نظام جمهوری اسلامی، بر محور حق‌گرایی، انسان‌مدارانه و مردم‌مدارانه، بدون حب و بغض‌های شخصی و تنها عمل به این آموزه دینی که اگر چنانچه، يك انسان را کسی هدایت کند، به‌مثابه هدایت تمام انسان‌ها است، بود. لذا، خبرنگار تایمز لندن در فرانسه در مصاحبه با ایشان (۱۳۵۷/۱۰/۱۸) سوال می‌کند: شما شخصاً به واسطه رژیم شاه رنج‌های بسیار برده‌اید، تبعید شده‌اید، زندانی دیده‌اید، پسران به نحو اسرارآمیزی کشته شده است، آیا با تمام این‌ها، شما هیچ خصومت شخصی‌ای در مورد شاه احساس می‌کنید؟ امام در جواب می‌گوید (مصطفایی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰): «ابداً. من به هیچ وجه احساس خصومت شخصی با شاه ندارم. برای مبارزه نه شخص خودم مطرح است و نه پسر و نه هیچ‌گاه احساس ناراحتی شخصی از او نکرده‌ام، من برای خیانت‌هایی که شاه در این پنجاه سال کرده، جنایاتی که به ملت من وارد کرده، مخالفم» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۹۳).

مطلب بارز از نحوه تعامل امام خمینی با شاگردانش این است که شاگردانش واقعاً شیفته‌اش بودند، تعامل با شاگردانی که امروز جزء علما و روحانیون هستند. یکی از شاگردانش می‌گوید: من در طول تحصیل در قم و اصفهان، استادان بسیاری داشتم که به همه آن‌ها ارادت دارم و از زحمات‌هایشان قدردانی می‌کنم، ولی تنها سه نفر توانستند ارادت قلبی و محبت مرا نسبت به خود جلب کنند، این سه نفر مرحوم حاج شیخ محمدحسن عالم نجف‌آبادی، علامه طباطبایی و امام خمینی بودند. امام خمینی از اساتیدی بودند که عده‌ای از شاگردانش و دیگر طلبه‌ها، واقعاً شیفته‌اش بودند (فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲). ایشان در مناسبت‌های گوناگون و در دیدارهایی که با مردم داشتند، سخنان مهمی را ایراد می‌کردند و همواره برای هدایت مردم به سمت آرمان‌های انقلاب اسلامی، نکات حساس و کلیدی را ارائه می‌فرمودند. هر هفته یک‌بار ملاقات‌های مردمی با این هدف صورت می‌گرفت و مردم با شنیدن سخنان شیرین و دل‌ربا و جذاب امام خمینی، جان تازه‌ای در مسیر مبارزه با استکبار و خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان اسلام و تلاش برای عمران و سازندگی کشور می‌گرفتند. مراجعه به متن صحیفه امام خمینی، نشان می‌دهد که دغدغه جدی ایشان، بصیرت دادن به مردم بوده است و این خدمتی بود که آن رهبر فرزانه به مردم عزیز ایران کرد (پیروز، ۱۳۹۱، ص ۲۳۲).

ب) خود خلاق بودن امام خمینی

مهم‌ترین نظریه سیاسی امام خمینی در دوران مبارزه، ارائه طرح جامعی از بحث ولایت فقیه

است. در صورتی که پیشینیان از جمله ملا احمد نراقی فقط در مباحث مختلف فقهی بنابر ضرورت، بحث‌هایی مانند امر به معروف و نهی از منکر، مصرف خمس، أخذ زکات بیان کرده‌اند. ولی، امام خمینی در دورانی که در کرسی‌های تدریس حوزوی هیچ‌گونه بحث سیاسی و فقهی حکومتی مطرح نبود و در مجامع دانشگاهی نیز حکومت و سیاست در قالب برنامه‌های رایج جهان صنعتی غرب مورد بحث قرار داشت، بازگشت اسلام به حوزه سیاست و حکومت را در بحث جامع عقلی و نقلی مطرح ساخت و اهمیت، ضرورت بحث ولایت فقیه، اختیارات، شرایط و شئون و کاربردهای رهبری و ولی فقیه را مبسوط بیان کرد. در اندیشه سیاسی امام خمینی، ولایت فقیه استمرار حکومت انبیاء و ائمه معصومین (ع) است، از این رو ایشان با بیان واژه «ولایت مطلقه فقیه»، کلیه اختیارات حکومتی پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) را برای فقیه جامع‌الشرایط لازم می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۴۵۳-۴۵۵).

تأثیر معنوی ادبیات سیاسی و فرهنگی امام که از آموزه‌های قرآنی و دینی سرچشمه گرفته است، همگام با سیر پیروزی انقلاب، تحولی شگرف در فرهنگ و ادبیات عمومی مردم ایران پدید آورد. واژه‌ها و اصطلاحات ارزشی سخنرانی‌ها، پیام‌ها و مصاحبه‌های امام خمینی که در بیان سلیس و قلم شیوا و روان ایشان جذابیت یافته بود، در قالب فرهنگ‌نامه عمومی انقلاب اسلامی یکی پس از دیگری در عرصه سیاست و اجتماع، گفتار و نوشتار مردم رهیده از ستم، به کار آمد. واژه‌های وحدت، استقلال، آزادی، بیداری اسلامی، عزت، سعادت، شهادت، حفظ اسلام، انقلاب، حزب‌الله، برادری، فداکاری، ایثار، محرومان، شیطان بزرگ، استکبار، مستضعف، قیام، خودباوری، امداد الهی، بسیج، ایام‌الله، طاغوت، فجر، شجاعت، استقامت، خدمت‌گزاری، خودکفایی، جهان اسلام، دفاع و معنویت، بیشترین و کاربردی‌ترین واژه‌های تحول‌آفرین اندیشه تابناک امام خمینی است که به عنوان فرهنگ جامع انقلاب اسلامی با تار و پود اعتقادات دینی مردم درهم تنیده شد و در لحظه‌های زندگی مردم حضور مستمر یافت و طرحی نو را در ادبیات عمومی، داستان، شعر، سخنرانی، مقاله و کتاب ایجاد کرد (شیداییان، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

ج) سبک زندگی خاص امام خمینی

امام خمینی در رابطه با بی‌توجهی به تعلقات دنیوی همانند جدش امیرالمؤمنین (ع) به سنت عمل می‌کرد. سنتی که با نام علی (ع) قرین شده، بی‌اعتنایی به قدرت و سایر جاذبه‌های دنیوی است. ابن عباس می‌گوید که در جریان یکی از جنگ‌ها، امام علی (ع) مشغول وصله زدن به

کشفشایش بود. از من پرسید، این کفش‌ها چقدر می‌ارزند. من جواب دادم که هیچ نمی‌ارزند. فرمود: به خدا این را از حکومت شما دوست‌تر دارم، مگر آنکه حقی را برپا سازم یا باطلی را براندازم (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۶۹). در بیان ساده‌زیستی امام خمینی و اعتقاد او به لزوم احتیاط کامل در صرف بیت‌المال، همین بس که بنا به نظر و تأیید امام خمینی، در اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی، دیوان عالی کشور موظف شده است تا دارایی رهبر و مسئولین رده بالای نظام اسلامی، پیش و پس از تصدی مسئولیت‌ها را رسیدگی کند تا خلاف حق، چیزی افزایش نیافته باشد. امام خمینی نخستین کسی بود که صورت و مشخصات دارایی ناچیز خویش را در تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۵۹ برای دیوان عالی ارسال کرد (پیروز، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵). عدالت اجتماعی در مکتب سیاسی ایشان، تحت تأثیر جهان‌بینی توحیدی اسلام، از ویژگی‌ای برخوردار است که آن را از عدالت‌های اجتماعی مورد نظر سایر مکاتب و اندیشمندان متمایز می‌کند. آن ویژگی این است که عدالت اجتماعی در مکتب امام خمینی، نه یک هدف غایی و نهایی، بلکه هدفی متوسط است. به این معنی که در مکاتب غیر الهی اعم از لیبرالیسم^۱ و سوسیالیسم^۲، به دلیل نگاه صرفاً مادی به مقوله انسان، هدف غایی و نهایی از همه برنامه‌ها از جمله تأمین عدالت اجتماعی، سر و سامان دادن به زندگی این جهانی و بُعد حیوانی انسان است و آنان به کمال معنوی انسان و بعد ماوراءالطبیعه او که در واقع هویت اصلی او را تشکیل می‌دهد، توجهی ندارند. در حالی که در مکتب امام خمینی، تمامی این امور، هدفی متوسط برای رسیدن انسان به کمال مطلوب معنوی او است؛ رسیدن به حدی که خدامحوری در همه حالات زندگی‌اش موج‌بزند. به دیگر سخن، بی‌عدالتی‌های اجتماعی در جوامع بشری ناشی از خوی‌های حیوانی انسان‌های تربیت نشده است و اسلام با تحت‌تعلیم و تربیت الهی قرار دادن انسان، ریشه و عامل اصلی این نابسامانی‌ها را هدف قرار داده، می‌خشکاند و انسانی عدالت‌خواه و منتفر از بی‌عدالتی می‌سازد (فرازی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵).

د) آینده‌نگری امام خمینی

ویژگی‌های آینده‌نگرانه وصیت‌نامه (پیر علی، ۱۳۹۲، ص ۴۹):

۱) رویکرد تحلیلی و نافذ کلام امام خمینی،

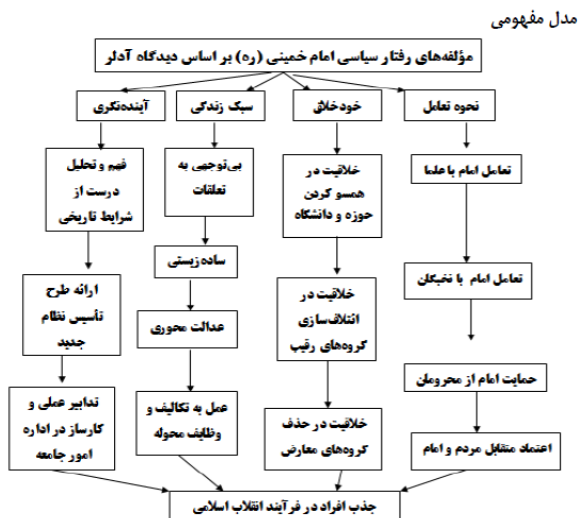
۲) ارزیابی دقیق کیفیت‌ها و منافع ناشی از تحقق و یا عدم تحقق توصیه‌های ناظر بر آینده،

1. Liberalism

2. Socialisme

- ۳) ارائه و تبیین مهارت تمرکز به هنگام روبرو شدن با شرایط بحرانی و ارائه راهبرد،
- ۴) وسعت نظر و اشراف به تطبیق واقع‌نگرانه موضوع در ایران با دیگر کشورهای جهان اسلام،
- ۵) شناخت دقیق متغیرهای محیطی و شناسایی اثرات متقابل آن‌ها بر آینده جامعه ایران و جهان اسلام،
- ۶) عدم خوش‌بینی اغراق‌آمیز به آینده در عین باور به وعده‌های الهی و نگاه آینده‌نگارانه توصیفی،
- ۷) شناخت عمیق تاریخی و وضعیت کنونی کشور، که پیش‌بینی‌های ایشان را دقیق‌تر می‌سازد،
- ۸) درک عمیق از پیشرفت‌های نوظهور در حوزه‌های گوناگون علمی و طبیعی در آینده نزدیک و دور، برای ارائه آینده تجویزی و راهبردها و ره‌نگاشت‌های دست‌یافتنی.
- تافلر می‌گوید: اگر قانون‌های کلی غیرتقریبی در اختیار داشته باشیم، می‌توانیم به دقت تمام اوضاعی را پیش‌بینی کنیم که علل اوضاع دیگری باشند که پیش‌بینی دراز‌آهنگ، ناظر به آنها است. در مقابل، اگر به دقت نتوانیم حوادث نزدیک را پیش‌بینی کنیم، حدس ما نسبت به آینده دورتر از گمان محض فراتر نخواهد رفت (راین، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷).
- ۹) خطاب مستقیم به حوزه‌های تعیین‌کننده آینده کشور و ارائه نکات کلیدی آینده‌نگرانه در کوتاه‌ترین جملات قصار.

شکل ۲- مدل مفهومی مولفه‌های رفتار سیاسی امام خمینی براساس دیدگاه آدلر



۴. تطبیق رفتار سیاسی امام خمینی با نظریه اقتدار وبر

در همین راستا، سؤال اصلی این‌گونه مطرح می‌شود که: «چه تعاملاتی میان شخصیت و شیوه رهبری امام خمینی و رعایت کرامات انسانی وجود داشته است؟ آیا این شیوه رهبری و نفوذ شگرف آن، بر مبنای الگوی مردود رهبری کاریزماتیک بوده و بر این اساس قابل تفسیر است؟

الف) تعریف اقتدار (کاریزماتیک) امام خمینی

امام خمینی نقش بسیار برجسته‌ای در شکل دادن به تاریخ معاصر انقلاب‌ها داشت. او کلیه تئوری‌های سیاسی، دکترین‌های تاریخی و جریانات فلسفی را زیر و رو کرد و توانست در دورانی که تکنولوژی و زندگی مدرن بر دیگر مظاهر زندگی تسلط پیدا کرده است، با هدایت انقلاب اسلامی، نظام‌های ارزشی غرب را متزلزل کند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، با آسیب رساندن به بنیادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غرب، توانست اُبّهت سلطه امپریالیسم غرب که پایمال‌کننده ارزش‌های مستضعفان بود را درهم شکند (افتخاری و مرتضوی امامی، ۱۳۹۱، ص ۱۵).

جدول ۱- بررسی تطبیقی نظریه کاریزماتیک وبر با رهبری امام خمینی

ردیف	ویژگی‌های نظریه کاریزماتیک و شخص کاریزما از دیدگاه ماکس وبر	ویژگی‌های اقتدار کاریزماتیک امام خمینی
۱	شدیداً شخصی است: اقتدار بر پایه محوریت یک فرد است.	بر محوریت «الله» است: اقتدار و حاکمیت فقط از آن «الله» است.
۲	منبع از قدرت‌های خارق‌العاده: ممکن است از قدرت‌های ماوراءالطبیعی کمک بگیرد.	منبع از نیروهای مردمی و همگانی: تکیه بر نیروی مردمی مهم‌ترین عامل در پیروزی.
۳	ممکن است مذهبی یا غیر مذهبی باشد: شخص کاریزما ممکن است دارای ریشه‌های مذهبی بوده و یا کاملاً غیر مذهبی باشد.	کاملاً مذهبی است: یکی از دلایل موفقیت امام خمینی، قرار گرفتن اهداف مبارزاتی ایشان در باورها و اعتقادات مذهبی و دینی مردم ایران بود.
۴	رابطه عاطفی یا غیر عقلانی میان پیرو و رهبر، حاکم است: روابط بر یک پایه و محوریت (عاطفه) در جریان است.	رابطه عاطفی و عقلانی میان امام خمینی و مردم حاکم بود: روابط امام خمینی با مردم بر دو پایه عاطفی (مردم امام خمینی را مانند پدري مهربان می‌دانستند) و عقلایی (در مقابل اقدامات رژیم تدابیر خاصی را تا به آخر اتخاذ کردند).
۵	احیاء‌کننده عقاید است: ممکن است شخص کاریزما در راستای اهداف خود عقیده‌ای که منسوخ شده را بازسازی کند و یا آنکه موج ایده و آرمانی خاص باشد.	احیاء‌کننده عقاید است: یکی از مهم‌ترین اهداف امام خمینی احیاء کردن دین اسلام در جامعه بود که برای مدتی طولانی و در اثر اقدامات حکام مستبد ایرانی در هاله‌ای از ابهام به سر می‌برد.

ردیف	ویژگی‌های نظریه کاریزماتیک و شخص کاریزما از دیدگاه ماکس وبر	ویژگی‌های اقتدار کاریزماتیک امام خمینی
۶	در زمان بحران اجتماعی امکان ظهور کاریزما بیشتر است: زمانی که نابسامانی‌های اجتماعی به اوج خود می‌رسد، امکان ظهور کاریزما افزایش می‌یابد.	در زمان بحران اجتماعی نقش امام خمینی پر رنگ‌تر شد: اوضاع نامساعد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و به خصوص مذهبی، دینی و فرهنگی دوران پهلوی و اقدامات ناپسند رژیم، نقش امام خمینی را به عنوان رهبر نهضت هویدا ساخت.
۷	منبع اقتدار کاریزماتیک: منابع قدرت کاریزما بر سه پایه معرفتی، سیاسی و اجتماعی استوار است.	منبع اقتدار کاریزماتیک امام خمینی: این منابع بر سه محور مردمی و اجتماعی، معنوی و جهانی‌سازی دین اسلام استوار است.

(منبع: افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۶)

ب) امام خمینی، مظهر کرامت و انسان کامل

یکی از واقعیت‌های بارز درباره شخصیت امام خمینی و شیوه رهبری ایشان آن است که تأثیرگذاری گسترده این شخصیت و الگوی رهبری مزبور در انقلاب اسلامی، به خاطر موهوماتی مانند ویژگی‌های کاریزماتیک که بدون جامعیت و مانعیت قابل تطابق با بسیاری از جنایتکاران تاریخ- مانند هیتلر و موسولینی و... است، نیست، بلکه ناشی از آن بوده که به اعتراف بسیاری از صاحب‌نظران، وی مصداق انسان کامل و شخصیتی خودساخته، مهذب و با کرامت بود که تنها در دامن فرهنگ اسلام شیعی امکان پرورش و بروز آن وجود داشته است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶، ص ۱۱). به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، امام به همه فهماند که انسان کامل شدن، علی‌وار زیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن، افسانه نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳).

امام خمینی انسان متکاملی بودند که روح الهی خویش را به حقیقت وارستگی آراسته بودند. با آنکه از بهترین استعداد و زمینه مناسب امکانات برای رسیدن به انواع مظاهر دنیا برخوردار بودند، ولی هیچ‌گاه به دنبال دنیا نرفته، بلکه از آن گریزان و رویگردان بودند. درست به همین دلیل و به مشیت خداوند، دنیا در تمام مظاهر گوناگونش به ایشان روی آورد و به اوج محبوبیت، شهرت، قدرت و امکانات دنیا دست یافتند و در این مرحله نیز امتحانی نیکو دادند. ایشان، همه آنچه را که در راستای وارستگی و خلوص و خدمت به دین خدا و بندگان او به دست آورده بودند، فقط و فقط در راه خدا صرف کردند و هرگز هیچ‌گونه اثری از کم‌ترین دلبستگی به ریز و درشت و خرد و کلان امور دنیوی در ایشان مشاهده نشد؛ چرا که او خانه را به صاحب‌خانه تسلیم کرده و دل را یکپارچه به محبوب سپرده بود و نه "خود"ی برای خود می‌پنداشت و نه دلی برای «خود» تا چیزی را جز «خدا» برای خود بخواهد یا آنکه به چیزی جز خدا دل سپارد (رحیمیان، ۱۳۷۳، ص ۵۸).

ج) نگرش «الهی» و «مدنی» و نه «توده‌ای» به مردم

در بسیاری از تحلیل‌های موجود درباره رهبری کاریزمایی و حتی از نظر خود وبر، مریدان شخصیت کاریزمایی و به عبارت دیگر پیروان و «کاریزما» او، از صنف «جامعه توده‌ای و نه جامعه مدنی به حساب آمده‌اند. جامعه توده‌ای در حقیقت توده‌های فاقد شعور و بینش‌اند که منفعلانه و کورکورانه به رهبر مزبور وفادار بوده و حتی چشم و گوش بسته و مبتنی بر احساسات صرف از او تا پای جان حرف شنوی دارند. افراد بیماری که ناامنی‌های روانی و انفعال سیاسی و اجتماعی خود را با پناه بردن به رهبر پناه‌بخش، با کیش شخصیت و قهرمان ناجی، مرتفع می‌سازند و عقل، عاطفه و عمل خود را تسلیم رهبر می‌کنند تا با رهبری او به ناکجا آبادهای کاذب و نجات‌بخش رهنمون شوند که در عمل نیز جان و مال خود را در این مسیر سراب‌گونه به نابودی می‌کشانند. باید بررسی کرد که آیا مردم تحت رهبری امام خمینی از صنف جامعه توده‌ای بوده‌اند یا برعکس از گونه جامعه مدنی؟ تجربه انقلاب اسلامی و حضور فعالانه مردم در بیش از یک ربع قرن بعد از پیروزی انقلاب و تلاش‌های اسلام‌خواهانه و از سر انجام تکلیف شرعی آنها در کلیه مقاطع و فرازونشیب‌های نهضت، به خوبی بیانگر رشد و بلوغ فکری و عملی مردم بوده است و به هیچ وجه نمی‌توان این مردم آگاه و مقاوم و بافرهنگ را با پیروان نهضت‌های فاشیستی آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی و سایر پیروان رهبران کاریزمایی مقایسه کرد. مردمی با تمدن چند هزار ساله با تداوم فرهنگی پویا و گسست‌ناپذیر که ریشه‌های آن در تمدن کهن ایرانی و فرهنگ بارور اسلامی نهفته است. بدیهی است به چنین مردمی نمی‌توان جامعه توده‌ای و اجتماعی بیمار لقب داد. از سویی نوع نگرش امام خمینی به مردم ایران، به بهترین وجه، گواه مدعای قبلی است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶، ص ۱۳).

د) منبع مشروعیت از منظر امام خمینی، الهی و نه کاریزمایی

چنان که قبلاً بیان شد، در آراء وبر و تفسیرهای وبری، ویژگی‌هایی کاریزماتیک نیز به عنوان یکی از منابع مشروعیت‌ساز اعمال اقتدار و سلطه معرفی شده و این اعتقاد طرح گردیده که وجود این ویژگی‌های شخصیتی، اعمال قدرت را از سوی شخصیت‌ها و رهبران کاریزماتیک بر جامعه مشروعیت می‌بخشد و اطاعت مردم، وابسته به این خصوصیات کاریزماتیک و تأثیر آنها است و وجاهت قدرت و مشروعیت اعمال آن در گرو ویژگی‌های کاریزماتیک رهبران است. اما آیا در سیره نظری و عملی امام خمینی، منبع مشروعیت و اقتدار، به همین شکل توجیه و تعریف می‌شود؟ بدیهی است که پاسخ این سؤال منفی بوده و این پاسخ منفی، یکی از براهین محکم در عدم

صحت مقایسه الگوی رهبری امام خمینی با مدل رهبری کاریزمای وبری است. به طور کلی، میان دو نوع رهبری شیعی و رهبری کاریزماتیک فرقه‌های ماهوی وجود دارد، از جمله اینکه مشروعیت رهبران کاریزمایی مبتنی بر خصوصیات شخصی و انگیزش احساسات و عواطف مردم است، در حالی که مشروعیت رهبران شیعی مبتنی بر حکم شرع و عقل می‌باشد و منشاء آن، ضوابط و قوانین الهی و در درجه دوم خواست و اراده مردم می‌باشد. منبع مشروعیت حکومت اسلامی از منظر امام خمینی نیز نه شخصی و نه کاریزماتیک، بلکه منحصراً امری الهی است و حتی حق الناس نیست و منشاء حاکمیت، صرفاً خداوند سبحان می‌باشد و به جز او هیچ کس حق حکومت ندارد؛ به همین دلیل فقیه جامع‌الشرایط، قبل از انتخاب مردم یا نمایندگان ایشان، دارای مقام ولایت می‌باشد و قبلاً از سوی ائمه معصومین (ع) به شکل عام منصوب شده است. لذا، انتخاب مردم در تعیین و ثبوت و تحلیل مقام زعامت فقیه، واجد نقش چندانی نیست و در منشاء حاکمیت و اعمال آن با فقیه شریک نمی‌باشد. بدین ترتیب چون ولایت فقیه امانتی است الهی، رأی و انتخاب مردم در ثبوت آن نقشی ندارد و چنان نیست که اگر مردمی رأی ندادند، او امام و ولی امر نباشد و دخالتش در امور غاصبانه باشد. از این دیدگاه، رأی و نظر مردم در تشخیص ولی امر، خبری است، نه انشایی، و کاشف از حاکمیت اوست و نه اینکه او را تعیین کند. به عبارت دیگر، شرط وجود است و نه شرط وجوب، و باعث فعلیت بخشی به حکومت فقیه می‌گردد و پایگاه مردمی آن را اثبات می‌کند. بدین ترتیب با پذیرش حق حاکمیت الهی فقیه، حکومت اسلامی در مرحله پیاده شدن دارای دو جنبه الهی و مردمی خواهد شد و به مرحله فعلیت می‌رسد و از عالم تشریع و طرح ذهنی به عینیت خارجی قدم می‌نهد (همان، ص ۱۶).

حسین بشیریه نیز الگوی رهبری کاریزماتیک را با رهبری انقلاب اسلامی مقارن می‌داند. او انقلاب اسلامی را دارای سه دوره با ماهیت‌های متفاوت تصور می‌کند که عبارتند از:

۱) بشیریه معتقد است که از سال ۵۸ تا ۶۸ دولت جامع القوا با سیاست و اقتدار کاریزمایی با مشارکت توده‌ای رخ می‌دهد. در این دوره مشروعیت الهی و کاریزماتیک امام خمینی در قالب ولایت فقیه ظاهر می‌شود و بسیاری از امور جامعه توسط رهبری ایشان ساماندهی می‌شود.

۲) سال‌های ۶۸ تا ۷۶، دولت دموکراتیک نمایشی با اقتدار سنتی و مشارکت نفوذی را دربرمی‌گیرد. در این دوره اکثر مناصب مهم حکومتی به روحانیت واگذار می‌شود.

۳) از سال ۷۶، دولت با عناصر شبه‌دموکراسی و گرایش به اقتدار قانونی و دموکراتیک، با پروژه مشارکت مدنی کلید می‌خورد. پارلمان و نهاد ریاست جمهوری نقش و اقتدار ویژه‌ای

می‌یابند و گذار کامل از دولت ایدئولوژیک به دموکراسی رخ می‌دهد (فرهمندی در امام انقلابی، ۱۳۹۵/۷/۶).

۵. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شخصیت‌شناسی روانشناسی سیاسی امام خمینی بود. روانشناسی سیاسی به عنوان حوزه‌ای جدید و میان رشته‌ای از علوم اجتماعی با هدف تحلیل رفتارهای سیاسی رهبران، شخصیت‌های سیاسی، گروه‌ها و افراد براساس نظریه‌ها و مفاهیم آن، به درک عمیق‌تر رفتارهای سیاسی کمک شایانی کرده است. در این پژوهش، ویژگی‌های رهبری امام خمینی از منظر دو تن از نظریه‌پردازان مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن نشان‌دهنده این است که در تعامل امام خمینی با علما و نخبگان، ایشان ذاتاً فرد جذابی بود و در بُعد خلاقیت، بر پیوند حوزه و دانشگاه تأکید داشت. در بُعد سبک زندگی خاص، همواره ساده‌زیستی را سرلوحه زندگی خود قرار دادند. در بُعد آینده‌نگری نیز همواره یکی از موارد آن را بر اصل انسان‌ساز دانستن دانشگاه تأکید داشتند، که در نهایت، مؤلفه‌های رفتاری امام خمینی نقش مؤثری در جذب افراد در فرآیند انقلاب اسلامی داشته است. نتایج حاصل به خوبی بیانگر تعامل کامل شخصیت و شیوه رهبری امام خمینی، با موضوع کرامت انسانی بود و مشخص گردید که ایشان به عنوان یکی از عالی‌ترین مظاهر کرامت انسانی و مشخصاً به عنوان انسانی کامل و در مقام مرجعی فرهیخته و مهذب و بالنده در دامن تعالیم متعالی اسلامی و شیعی، در طول حیات و دوران رهبری خویش به موضوع کرامت‌های انسانی و حقوق عمومی بشری توجه ویژه و زایدالوصفی داشته است و اساساً یکی از دلایل نفوذ شگرف رهبری ایشان بدین دلیل بوده است.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۶). تبیین نظری رهبری امام خمینی از زاویه نقد نظریه رهبری کاریزماتیک. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۴(۵۰)، ص ۲۶-۷.
- افتخاری، اصغر؛ مرتضوی امامی، سید علی (۱۳۹۱). مقایسه نظریه اقتدار کاریزماتیک با رهبری امام خمینی. *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۱(۱)، ص ۲۸-۹.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹). *روانشناسی سیاسی*. تهران: نشر سمت، چاپ دوم.
- بنی جمالی، احمد (۱۳۸۸). درآمدی بر روان‌شناسی سیاسی رهبران. *علوم سیاسی*، ۸، ص ۷۴-۵۹.
- پیرعلی، محمد (۱۳۹۲). نگاهی به چارچوب شناختی هنجاری و رویکردهای اکتشافی و تجویزی ناظر بر آینده نگری در وصیت‌نامه امام خمینی. *حضور*، ۸۴، ص ۵۱-۳۸.
- پیروز، علی آقا (۱۳۹۱). *رویکرد مدیریتی به رهبری امام خمینی*. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی، مریم السادات (۱۳۹۲). *اندیشه سیاسی امام خمینی*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۰۴/۲۳). پیام به ملت ایران به مناسبت چهلمین روز ارتحال امام خمینی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?id=2141&nt=4&year=1368&tid=1425#517>
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، ج ۵، ص ۲۰.
- راین، آلن (۱۳۸۲). *فلسفه علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: صراط، چاپ سوم.
- رحیمیان، حسن (۱۳۷۳). *در سایه آفتاب*. تهران: موسسه پاسدار اسلام.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷). بررسی شخصیت امام خمینی براساس رویکرد پدیدار شناختی مزلو. *حضور*، ۶۴، ص ۱۸۱-۱۴۹.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۷). *نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی*. تهران: مؤسسه انتشارات تهران، چاپ چهاردهم.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۶). *نظریه‌های مشاوره و روان درمانی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شولتز، دوآن؛ شولتس، سیدنی آلن (۱۳۹۲). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش.
- شیداییان، حسن (۱۳۸۷). نگاهی کوتاه بر نوآوری‌های امام خمینی در نظریه‌پردازی و رهبری انقلاب. *حصون*، ۱۸، ص ۶۵-۵۲.
- عباسی، محمد؛ مسعودی‌نیا، محمد (۱۳۹۷). شخصیت‌شناسی از منظر روانشناسی سیاسی: مطالعه موردی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری امام خمینی. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۱۳(۵۱)، ص ۱۶۲-۱۳۷.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ قاسم‌پور، رمضان؛ کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۶). مؤلفه‌های رفتار سیاسی امام خمینی در جذب افراد براساس دیدگاه آلفرد آدلر. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۷(۲۵)، ص ۲۴-۱.
- فرازی، صادق (۱۳۸۴). عدالت اجتماعی در مکتب سیاسی امام خمینی. *حصون*، ۳، ص ۱۵۳-۱۲۹.
- فراهانی، مجتبی (۱۳۸۷). *سلسله موی دوست (خاطرات دوران تدریس امام خمینی)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

فرهمندی در امام انقلابی (۱۳۹۵). پایگاه اینترنتی جوان آنلاین. قابل دسترس در:

<https://www.javann.ir/003P19>

فروند، ژولین (۱۳۶۲). *جامعه‌شناسی ماکس وبر*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر نیکان.

کاتم، مارتا و همکاران (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی*. ترجمه سید کمال خرازی و جواد علاقبند. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کریمی، یوسف (۱۳۸۴). *روانشناسی شخصیت*. تهران: انتشارات پیام نور، چاپ پانزدهم.

کریمی، یوسف (۱۳۸۵). *تاریخچه و مکاتب روانشناسی*. تهران: انتشارات پیام نور، چاپ هفتم.

مصطفایی، عبدالمحمد (۱۳۸۹). *تعامل و همبستگی اجتماعی در مکتب امام خمینی*. حضور، ۷۲، ص ۱۶۲-۱۳۷.

Weber, M., (1971). *Economie et societe*. Paris: plon.